

جایگاه زیارت نبی اعظم ﷺ

در منابع و مذاهب اسلامی*

حجت الاسلام والمسلمین مصطفی جعفری‌پیشه**

چکیده

زیارت نبی اعظم ﷺ در منابع اسلامی چه حکم و جایگاهی دارد؟ هدف اصلی نگارش این مقاله پاسخ علمی به پرسش بالاست. پس از تحقیق و بررسی منابع فریقین می‌توان نتیجه گرفت: مستحبات زیارت پیامبر ﷺ که با ادله قطعی ثابت است، اختصاص به شیعیان ندارد و از جماعیات اسلامی بلکه از ضروریات دین محسوب می‌شود و فتوای بعضی منحرفان به پیروی از ابن تیمیه مبنی بر حرمت شد رحال به قصد زیارت قبر پیامبر ﷺ فاقد وجهت علمی است. زیارت پیامبر ﷺ موهبتی است که مسلمانان در پرتو اجتماع در اطراف این کانون نور می‌توانند به وحدت برسند.

واژه‌های کلیدی: زیارت، نبی اعظم ﷺ، روایات فریقین، ابن تیمیه، مذاهب اسلامی.

اشاره

زیارت قبر نبی اعظم صلی الله علیه و آله در طول تاریخ، در منابع اسلامی و نزد مسلمانان چه حکم و جایگاه و منزلتی داشته است؟ جست‌وجو و یافتن پاسخ علمی برای پرسش بالا، هدف اصلی از نگارش این مقاله است؛ پرسشی که پاسخگویی منصفانه به آن می‌تواند یکی از محورهای وحدت میان مسلمانان (با تمامی گستره و تفاوتی که از نظر زبان، نژاد، رنگ، ملیت و قومیت، عقاید و مذاهب، آداب و رسوم و فرهنگ و غیره در میان آنها حاکم است) باشد. در این عصر که جهانیان به تدریج احیای مجدد اسلام و تمدن و ارزشهای اسلامی و بازگشت مسلمانان به خویشتن خویش را مشاهده می‌کنند، زیارت پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله، این نقطه نورانی و حقیقت ناب، می‌تواند مسلمین را در حول و محور پیامبر خویش گرد آورد و آنها را در رسیدن به اهداف عالی دین و سعادت دنیوی رهنمون باشد.

زیارت نبی اعظم صلی الله علیه و آله از زاویه‌های گوناگون و ابعاد متفاوت قابل بررسی است و آنچه در این نوشتار بیشتر مورد توجه و اهتمام است، بررسی این موضوع از بعد فقهی و به شیوه بررسی و تحقیق مباحث فقهی است. این مقاله در قسمت اول به مستندات استحباب زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌پردازد. قسمت دوم مقاله به نظریه ابن تیمیه و پیروان او اشاره دارد که سفر برای زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله را حرام دانسته‌اند. قسمت سوم مقاله نیز از ابعاد فقهی - سیاسی زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و وظیفه حکومت اسلامی در این زمینه بحث می‌کند.

قسمت اول: مستندات استحباب زیارت نبی اعظم صلی الله علیه و آله و فضیلت آن

۱. قرآن کریم و استحباب و فضیلت زیارت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

«ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك فاستغفروا لله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله تواباً رحیماً». ^۱ به

حکم این آیه هرگاه مسلمانان بر نفس خویش ستم کنند و مرتکب گناه شوند، اگر به حضور رسول اکرم صلی الله علیه و آله برسند و در حضور ایشان از خداوند متعال طلب غفران و آمرزش کنند و رسول الهی صلی الله علیه و آله نیز برای آنان از درگاه حضرت حق، آمرزش آنان را طلب نماید، پروردگار سبحان را توباب و رحیم می‌یابند. نکته مهم درباره این آیه کریمه، عبارت: «جاؤك» و آمدن نزد پیامبر خداست. حال آیا رسیدن به حضور رسول خدا، اختصاص به حیات ظاهری و مادی آن حضرت دارد یا آیه بیانگر یک حکم عام و کلی در تمامی زمانهاست و اختصاص به حیات مادی پیامبر صلی الله علیه و آله ندارد؟

در پاسخ باید گفت: با توجه به ثبوت حیات برای انبیا و اولیای الهی و شهیدان پس از مرگ مادی که با ادله نقلی مسلم در جای خود به اثبات رسیده است ^۲ و با توجه به ثبوت حیات برزخی

و عدم فنای نفس انسانی پس از مرگ که در معارف نقلی و عقلی به اثبات می‌رسد،^۳ به حضور پیامبر رسیدن، اختصاص به حیات دنیوی ایشان ندارد و پس از مرگ ظاهری نیز آمدن به حضور پیامبر و استغفار نزد آن حضرت صادق است و واقعیت دارد. چنین نیست که این آیه شریفه تنها قضیه خارجی‌های باشد که اختصاص به چند سال از عمر دنیوی پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله داشته باشد، بلکه متکفل یک قضیه حقیقیه و حکم عام و کلی برای تمامی اعصار و ازمان، الی یوم القیامه خواهد بود. هم از این روست که در اذن دخول حریمهای شریف گفته می‌شود: «و اعلم ان رسولک و خلفائک صلی الله علیه و آله احياء عندک یرزقون، یرون مقامی و یسمعون کلامی...»^۴ لذا طبق روایاتی که حتی در صحاح اهل سنت نقل شده، پیامبر فرموده است:

ما من احد یسلم علی إلا رد الله علی روحی، حتی أرد
 علیه السلام؛

هر کس بر من سلام کند، خداوند سلام او را به من می‌رساند و من
 نیز پاسخ سلام او را خواهم داد.^۵

شاهد بر این حقیقت که رسیدن به حضور پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله امری عام و گسترده به گستردگی زمان است، تلقی مسلمانان در طول تاریخ از این حقیقت است که مسلمانان به زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رفتند و با تلاوت این آیه شریفه، در کنار مضجع شریف آن حضرت، به استغفار می‌پرداختند.^۶ هم اینک نیز تمامی فرق مسلمانان و پیروان مذاهب مختلف هر وقت در جوار مضجع شریف آن حضرت قرار می‌گیرند، بر آن حضرت سلام می‌کنند و ایشان را همچون حال حیات مادی زیارت می‌کنند؛ همچنان که تمامی مذاهب اعم از شیعه و حنبلی و حنفی و مالکی و شافعی در تشهد پایانی هر نماز، آن وجود شریف را مورد خطاب قرار می‌دهند و با توجه به آن حضرت صلی الله علیه و آله می‌گویند: «السلام علیک ایها النبی و رحمۃ الله و برکاته»^۷ و بدیهی است که اظهار سلام و تحیت در صورتی است که فرد مقابل حضور داشته و به گونه‌ای آن را بشنود. لذا در زیارتنامه شیعه و سنی خطاب به پیامبر گرامی اسلام همین آیه «ولو أنهم اذ ظلموا» قرائت می‌شود و طبق آن از حضرت درخواست شفاعت می‌گردد. چنان که جزیری در زیارتنامه‌ای که نقل کرده این آیه را آورده است و بالاتر آنکه وی همچون روایات و منابع مذهب اهل بیت، پس از ذکر اعمال زیارت پیامبر و رفتن به روضه شریفه می‌گوید: «ثم یأقی المنبر فیضع یدیه علی الرمانة التي کان صلی الله علیه و آله یضع یدیه علیها اذا خطب لئناله برکة الرسول»^۸ تمامی این ادله و قرائن و شواهد با صرف نظر از ادله عمومی و قطعی و مورد اتفاق مذاهب اسلامی، درباره زیارت قبور و استحباب آن است.^۹ همه این موارد نیز دلیل دیگری است بر اینکه حیات پس از مرگ دنیوی ادامه دارد و زوال و فنایی برای انسان نیست.

چکیده گفتار آن است که آیه مبارکه «ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك فاستغفروا لله و استغفر لهم الرسول» بیانگر قضیه و حکم عام و کلی است و نشان دهنده فضیلت و ارزشمندی و استحباب زیارت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در تمامی اعصار است. اصولاً بر طبق تفسیر اهل بیت علیهم السلام از آیات شریفه قرآنی، همان طور که در قرآن کریم اطاعت و فرمان برداری از رسول خدا صلی الله علیه و آله، اطاعت از خداوند سبحان شمرده شده است، و همان طور که بیعت با پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت با خداوند محسوب می شود، زیارت آن حضرت نیز در حکم زیارت الله است. چنان که صدوق رحمه الله در کتاب توحید، به سند خویش از عبدالسلام بن صالح هروی نقل می کند:

قلت لعلى بن موسى الرضا عليه السلام: يا ابن الرسول صلى الله عليه وآله ما تقول في الحديث الذي يرويه اهل الحديث: ان المؤمنين فيه يرون ربهم في منازلهم في الجنة؟ فقال: يا ابا الصلت، ان الله فضل نبيه محمد صلى الله عليه وآله على جميع خلقه من النبيين والملائكة وجعل طاعته طاعته و متابعتة متابعتة و زيارته في الدنيا و الآخرة زيارته. فقال: «من يطع الرسول فقد اطاع الله» و قال: «ان الذين يباعدونك انما يباعدون الله» و قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من زارني في حياتي او بعد موتي فقد زار الله» و درجة النبي صلى الله عليه وآله ارفع الدرجات فمن زاره الى درجة في الجنة من منزله فقد زار الله تبارك و تعالی الحديث.^{۱۱}

طهری

۲. استحباب و اهمیت زیارت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در روایات فریقین

برای کسی که مختصر آشنایی با متون روایی و احادیث فریقین دارد، به خوبی آشکار و روشن است که روایات مرتبط با زیارت رسول الله صلی الله علیه و آله و فضیلت و اهمیت آن، بسیار زیاد، بلکه در حد متواتر است. در جوامع روایی شیعه، احادیث مرتبط با موضوع زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله به قدری فراوان و گسترده است که استقصا و استقرای آنها خود در حد یک کتاب خواهد بود. مرحوم ابن قولویه قمی در کتاب نفیس و ارزشمند *کامل الزیارات*، در چندین باب، دهها روایت در این زمینه نقل می کند^{۱۱} که بسیاری از آنها قریب المضمون هستند و در آنها پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند: «من زارني في حياتي أو بعد موتي كان في جوارى يوم القيامة» و نیز اینکه زیارت پیامبر، موجب شفاعت آن حضرت و شهادت و گواهی ایشان خواهد بود و فضیلت آن به اندازه حج پذیرفته شده با رسول الله صلی الله علیه و آله و زیارت ایشان به منزله زیارت الله در عرش است.

مرحوم شیخ حر عاملی، در کتاب پر قیمت *وسائل الشیعة*، در شش باب از ابواب مزار، دهها روایت در فضیلت زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و کیفیت آن، به ویژه پس از مناسک حج نقل کرده است. مرحوم صاحب وسائل برای ابواب المزار، چنین عنوان زده است: «باب تأکد استحباب زیارة قبر

رسول الله ﷺ و اجبار الوالی الناس علیها و وجوبها کل سنة»^{۱۲} وی در این باب بر سه نکته تأکید ورزیده است؛ استحباب مؤکد بودن زیارت قبر پیامبر ﷺ، وادار کردن مردم توسط والی و حکومت برای زیارت پیامبر ﷺ، و وجوب زیارت آن حضرت در هر سال. البته منظور وی از وجوب، چنان که در پایان باب تذکر داده، وجوب کفایی است.

اینکه مرحوم صاحب وسائل در این باب، سخن از اجبار مردم توسط والی برای رفتن به زیارت پیامبر ﷺ را مطرح کرده است، گرچه صریحاً در روایات این باب ذکر نشده، ولی در ابواب وجوب الحج باب پنج، روایتی نقل شده است که امام المسلمین مردم را برای حج و زیارت پیامبر وادار می کند، چرا که در روایات ترک زیارت پیامبر ﷺ جفای بر آن حضرت شمرده شده است. عده‌ای از فقها مثل شهید اول فرموده‌اند: اگر مردم زیارت آن حضرت را ترک کنند، بر امام المسلمین است که ایشان را به رفتن به زیارت آن حضرت مجبور کنند، زیرا ترک زیارت آن حضرت موجب جفای محرم است.^{۱۳}

روایاتی که در جوامع روایی شیعه در استحباب و فضیلت زیارت نبی گرامی اسلام ﷺ نقل شده است، به همان مضمون یا قریب به آن نیز در بسیاری از منابع روایی اهل سنت منقول است. این روایات به قدری گسترده و فراوان است که در حد استفاضه بلکه تواتر خواهد بود و از این رو نیازمند بحث سندی و دقت در رجال آنها نیست. مرحوم علامه امینی در کتاب الغدیر از بیش از چهل منبع روایی اهل سنت، این روایات را نقل کرده است که تنها به فشرده‌ای از آن در اینجا اکتفا می کنیم.

۱. روایت: «من زار قبری وجبت له شفاعتی» در چهل و یک منبع نقل شده است.

۲. روایت: «من جانی زائراً لا تعلمه الا زیارتی کان حقاً علی أن اکون له شفیعاً یوم القیامة»، از شانزده منبع نقل شده است.

۳. روایت: «من حج فزار قبری بعد وفاتی کان کمن زارنی فی حیاتی»، از بیست و پنج منبع نقل شده است.

۴. روایت: «من حج البیت و لم یزرنی فقد جفانی» از نه منبع نقل شده است.

۵. روایت: «من زارنی بعد موتی فکانما زارنی فی حیاتی» از سیزده منبع نقل شده است.

۶. روایت: «من زارنی بالمدينة محتسباً کنت له شفیعاً» و با الفاظی مشابه در بیست و یک منبع نقل شده است.

۷. روایت: «من زارنی میتاً فکانما زارنی حياً و من زار قبری وجبت له شفاعتی یوم القیامة و

ما من احد من امتی له سعة ثم لم یزرنی فلیس له عذر»، در شش منبع ذکر شده است.

علاوه بر این هفت روایت، پانزده روایت دیگر، یعنی در مجموع بیست و دو روایت درباره زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و فضیلت و ارزش آن در منابع اهل سنت نقل شده است. این روایات را عده‌ای از علمای اهل سنت در پاسخ به امثال ابن تیمیه که به حرمت شد رحال و سفر برای زیارت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فتوا داده‌اند، گردآوری کرده‌اند و اسناد آنها را بررسی نموده‌اند؛ عالمانی همچون تقی الدین سبکی شافعی (متوفای ۷۵۱ق) در کتاب *شفاء السقام فی زیارة خیر الانام* و سمهودی (متوفای ۹۱۱ق) در کتاب *وفاء الوفاء*.^{۱۴}

نتیجه آنکه زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان یک اصل مسلم در روایات متواتر شیعه و سنی مورد تأکید قرار گرفته است و یکی از مهم‌ترین محورهای وحدت امت اسلامی و سرچشمه نورانی برای بهره‌گیری مسلمانان از تعالیم نورانی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و رسیدن به سعادت دنیا و آخرت و کسب مکارم اخلاق و ساختن مدینه فاضله محسوب می‌شود.

۳. استحباب زیارت نبی اعظم صلی الله علیه و آله به اجماع مذاهب اسلامی

از نظر فقهای مذهب اهل بیت علیهم السلام، استحباب زیارت نبی اکرم صلی الله علیه و آله مورد اتفاق و از مسلمانی است که جای مناقشه و شبهه ندارد. محقق حلی در *سرائع الاسلام* گوید: «یستحب زیارة نبی صلی الله علیه و آله للحاج مستحباً مؤكداً»^{۱۵} علامه حلی نیز در *تذکرة الفقهاء* گوید:

تستحب زیارة الرسول صلی الله علیه و آله قال رسول الله: من زار قبری بعد موتی (کان) کمن هاجر الی فی حیاتی فان لم تستطعوا فابعثوا الی بالسلام یبلغنی.^{۱۶}

مرحوم صاحب جواهر، پس از نقل کلام محقق حلی که در بالا به آن اشاره شد، در شرح آن گوید: «اجماعاً و ضرورة من الدین و لذا یجبر الامام الناس علیها لو ترکوها»^{۱۷} به عقیده صاحب جواهر، مسئله زیارت نبی اعظم صلی الله علیه و آله آن چنان روشن و آشکار است که نه تنها از اجماعیات بلکه از ضروریات دینی است که منکر آن، حکم منکر ضروری دین را دارد، یعنی در حد ارتداد است. و از جهت همین جایگاه رفیع است که والی مسلمانان موظف است مردم را به زیارت آن حضرت وادار کند.

اما از نظر دیگر مذاهب اسلامی نیز مسئله زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و استحباب آن، موضوعی کاملاً روشن و مورد اتفاق همگان بوده است. تقی الدین سبکی شافعی در کتاب *شفاء السقام فی زیارة خیر الانام*، پس از ذکر احادیث این موضوع، بابتی را برای ذکر نص علمای مذاهب اربعه اهل سنت قرار داده است و پس از ذکر اجماعی بودن استحباب زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌گوید:

طرح

لا حاجة الى تتبع كلام الاصحاب في ذلك مع العلم باجماعهم و
اجماع ساير العلماء عليه و الحنفية قالوا: ان زيارة قبر النبي ﷺ من
افضل المندوبات و المستحبات بل يقرب من درجة الواجبات.^{۱۸}

عبدالرحمن جزیری نیز گوید: «لاریب فی ان زیارة قبر المصطفى علیه الصلاة و السلام من
اعظم القرب و اجلها شأناً.»^{۱۹} در کافی ابن قدامه حنبلی گفته شده است: «و يستحب زیاره قبر
النبي ﷺ... لما روى ان النبي ﷺ قال: من زارني او زار قبري كنت له شفيعاً او شهيداً.»^{۲۰}

مرحوم علامه امینی در تتبعی کامل، بیش از چهل سخن از اعلام مذاهب اربعه را گرد آورده
است که همگی آنها بر استحباب و اهمیت زیارت قبر نبی گرامی اسلام ﷺ تأکید ورزیده‌اند و
عده‌ای از آنها نیز ادعای اتفاق کرده‌اند. قاضی عیاض مالکی (متوفای ۵۴۴ق) در شفا گوید: «و زیارة
قبره ﷺ سنة مجمع علیه.» ابن هبیره (متوفای ۵۶۰ق) در کتاب اتفاق الائمة گوید: «اتفق مالک و
الشافعی و ابوحنيفة و احمد بن حنبل رحمہ الله تعالى علی أن زیارة النبي ﷺ مستحبه.»^{۲۱}

از آنچه در این قسمت گذشت، به خوبی می‌توان نتیجه گرفت که استحباب زیارت پیامبر
اعظم ﷺ اصل مسلمی در میان تمامی مذاهب اسلامی بوده است که بر اساس مبانی صحیح فقهی و
مدارک و ادله متخذ از کتاب و سنت، مورد پذیرش فقهای بزرگ مذاهب قرار گرفته است تا آنجا که
این مسئله از یک مطلب اجماعی فراتر رفته و می‌تواند به عنوان یکی از ضروریات اسلامی تلقی شود.

۴. زیارت نبی اعظم ﷺ به حکم عقل

ارزش و فضیلت و اهمیت زیارت پیامبر رحمت، حضرت محمد بن عبدالله ﷺ، از اموری
است که با استفاده از موارد ذیل می‌توان از مستقلات و غیر مستقلات احکام عقلی آن را دانست
و آن را به اثبات رسانید.

۱) زیارت پیامبر ﷺ از مصادیق زیارت قبور است که ادله شرعی کافی بر استحباب آن اقامه
شده است و به حکم عقل، آن کبرای کلی بر این صغری و مصداق خاص قابل تطبیق و
نتیجه‌گیری است.

۲) وجوب تعظیم و شکر و سپاس از کسی که برای آدمی زحمت کشیده و برای او کار و
تلاشی انجام داده است، از امور فطری آدمیان بلکه از غرائز حیوانی است. اینکه عقل و فطرت
آدمی به لزوم رعایت حرمت استاد و مربی و پدر و مادر حکم می‌کند، بر اساس همین مبناست.
هر چه کاری که برای آدمی انجام شده است، دارای اهمیت بیشتری باشد، این لزوم احترام و
سپاس بالاتر خواهد بود. بر اساس همین مطلب است که متکلمان به قاعده وجوب شکر منعم در

مباحث توحید و خداشناسی تمسک کرده‌اند. از همین جهت است که در روایات وارد است: «من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً.» عقل ناسپاسی کسانی را که برای انسان کاری انجام داده و از این رو حقی بر گردن آدمی پیدا کرده‌اند جفا و ستم و از مصادیق آشکار ظلم تلقی می‌کند و آن را قبیح می‌شمرد. کسی که احترام معلم را نگه ندارد، به پدر و مادر جفا کند و شأن و حرمت مربی را نگه ندارد، عقل آن کار را به عنوان ظلم، سرزنش و نکوهش می‌کند.

طبق این مقدمه، در باب تعلیم و تزکیه و تربیت، کدام معلم و مربی بالاتر از پیامبر رحمت اسلام صلی الله علیه و آله که در راه تربیت و بسط و گسترش مکارم اخلاق و شریعت الهی و عقاید حق، از هیچ کوششی فرو گذار نکرد، تا آنجا که قرآن می‌فرماید: «**لَمَّا بَاخَعْتُمْ سَوَاءَ وَكُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ**». ^{۲۲} آیا عقل به تعظیم و تکریم این شخصیت نورانی و این پدر مهربان و این معلم بشریت حکم نمی‌کند؟ بی‌شک جفا و بی‌احترامی به ذات مقدس نبوی صلی الله علیه و آله از نظر عقل گناهی نابخشودنی است و رعایت احترام او برای مسلمین بلکه برای جمیع ابنای بشر فرض عقلی است. بی‌گمان به زیارت او رفتن و مضجع شریف او را تکریم کردن و بدین وسیله آثار و حیاتی او را زنده و با طراوت نگه داشتن، از مصادیق بارز این تعظیم است و او را فراموش کردن و آثار و یاد او را از دلها زدودن از مصادیق جفای بر آن حضرت خواهد بود. از این رو در روایات زیارت نیز گذشت که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: کسی که حج انجام دهد و مرا زیارت نکند، بر من جفا کرده است؛ یعنی ترک زیارت آن حضرت، از مصادیق پایمال کردن حق و ستم به ساحت مقدس ایشان شمرده شده است.

۳) زیارت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و مشاهده آثار نبوت و وحی از بهترین مصادیق تذکر و موعظه است و باعث می‌شود. انسان با زیارت قبر نورانی آن رادمرد الهی، در مسیر پذیرش حق و پایداری و استواری در آن از هیچ کوششی دریغ نکند و در مسیر آن بدون هراس از سرزنش سرزنش‌گران و «**بومه لائم**» تمامی زحمات را به جان بخرد تا به سعادت و دوری از شیطان و هوای نفس نائل شود. از این رو چنین زیارتی از مهم‌ترین راهها برای قرب الی الله شمرده می‌شود. جزیری در *الفقه علی المذاهب الاربعه* در همین زمینه گوید:

و بما لاخفاء فيه ان زيارة قبر المصطفى صلی الله علیه و آله تفعل في نفوس اولي الالباب اكثر مما تفعله اى عبادة اخرى فالذى يقف على قبر المصطفى ذاكراً مالاقيه صلی الله علیه و آله في سبيل الدعوة الى الله و اخراج الناس من ظلمات الشرك الى نور الهداية و مابته من مكارم الاخلاق في العالم اجمع و ما محاه من فساد عام شامل و ما جاء به من شريعة مبنية على جلب المصالح للمجتمع الانساني و دره المفساد عنه لا بد ان يعتلى قلبه حباً لذلك الرسول الذي جاهد في الله حق جهاده و لا بد ان يجب اليه العمل بكل ما جاء به و لا بد ان يستحى من معصية الله و رسوله و ذلك هو الفوز العظيم. ^{۲۳}

طهر

سال پنجم - شماره ۲۰ - زمستان ۱۳۸۵

۵. زیارت نبی اعظم صلی الله علیه و آله و سیره عقلا

از سیره‌های عقلایی که همواره در تاریخ بشریت وجود داشته و با عمر بشر گره خورده است، نکوداشت و بزرگداشت کسانی است که در حوزه‌ای از حوزه‌های مختلف، خدمتی برای بشریت انجام داده‌اند. عقلا فراموشی انسانهای خدوم و کسانی را که در راه بشریت کاری انجام داده‌اند گناهی نابخشودنی می‌شمرند. هیچ ملت و قومی را نمی‌توان شناخت که در برابر بزرگان و نقش آفرینان خویش در عرصه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، نظامی، ورزشی، هنری و غیره، احساس دین نکنند و به نام و یاد آنها بی‌اعتنا باشند. این رویه‌ای بوده که همواره وجود داشته و اکنون نیز به وفور شاهد آنیم. بی‌تردید این سیره‌ای است که در مرئی و مسمع شارع بوده و نه تنها از آن ردع نکرده، بلکه با مشوقهای گوناگون و در قالب موارد و مصادیق مختلف، به آن ترغیب و تشویق کرده است. از مصادیق بارز آن، گرامیداشت نام شهیدان راه حق و اولیا و انبیای الهی و در صدر همه آنها خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله می‌باشد. از مصادیق بارز و روشن این تعظیم که در میان عقلا نیز رواج دارد، به زیارت قبور آنها رفتن و ادای احترام به پاس زحمات بی‌شائبه آنان است.

۶. زیارت نبی اعظم صلی الله علیه و آله و سیره مسلمانان

چنان که در بحث از آیه «و لو انهم اذ ظلموا انفسهم» اشاره شد، سیره مسلمانان از همان اوان رحلت حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله آن بوده است که با اشتیاق به زیارت او می‌شتافتند و به او ادای احترام و سلام داشته‌اند. این سیره مستمره و جاریه‌ای بوده است که در طول تاریخ حاجیان و معتمران بیت الله الحرام، به زیارت مکه مکرمه اکتفا نمی‌کرده‌اند، و بر خود فرض می‌دانسته‌اند که زیارت قبر نبی اکرم صلی الله علیه و آله را نیز فراموش نکنند و بدین وسیله آثار نبوت و رسالت را زنده نگه دارند. در طول تاریخ این سیره که در حضور اهل بیت علیهم السلام و صحابه تابعین و فقهای مذاهب مختلف بوده، هرگز نقل نشده است که مسلمانان را از این کار منع کنند و آنها را نهی نمایند، بلکه این شعله‌ای بوده که در طول تاریخ همواره فروزان‌تر شده و گرمابخش محفل مسلمین گشته است.

قسمت دوم: ابن تیمیه و حرمت سفر به قصد زیارت نبی اعظم صلی الله علیه و آله

اشاره

علی‌رغم ادله مسلم و قطعی فراوانی که در بخش گذشته به آن اشاره شد؛ ادله‌ای که بر قطعی بلکه ضروری بودن استحباب زیارت قبر نبی اعظم صلی الله علیه و آله به اجماع جمیع مذاهب اسلامی تأکید می‌کنند، ابن تیمیه (متوفای ۷۲۸ ق) تنها فردی بود که به مخالفت با این حکم پرداخت و شدت رحال و سفر کردن به قصد زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را حرام اعلام کرد و آن را از مصادیق سفر

معصیت شمرد که مسافر نباید نمازش را قصر کند و به طور کامل باید آن را انجام دهد. اگر چه این فتوای ابن تیمیه، تنها فتوای شاذ و بر خلاف اجماع او نبود و اصولاً وی در بسیاری از افکار و عقاید مسیری بر خلاف اجماع علمای اسلامی طی کرد و در همان زمان، دانشمندان هم عصر با وی به مخالفت شدید و علنی با افکار تند و انحرافی او پرداختند و کتابهای فراوانی در پاسخگویی به افکار و اندیشه‌های نادرست وی به رشته تحریر درآمد، لیکن پس از چند قرن، فتاوای ابن تیمیه، توسط محمدابن عبدالوهاب (متوفای ۱۱۱۵ق) نبش قبر شد و با حاکمیت یافتن وهابیه بر برخی سرزمینهای اسلامی، این فتوا در میان عالمان وهابی رواج یافت و دنبال شد.^{۳۳} در این قسمت، نخست به نقل برخی از کلمات ابن تیمیه و مریدان او می‌پردازیم و سپس مستند آنها را می‌بینیم و در گام سوم مستند آنها را نقد و بررسی می‌کنیم.

۱) فتوای ابن تیمیه و پیروان او

ابن تیمیه معتقد است: تمامی احادیثی که از پیامبر ﷺ درباره زیارت قبرش وارد شده، ضعیف بلکه جعلی است.^{۳۵} محمدابن عبدالوهاب نیز گوید: «تسن زیارة النبی الا انه لا یشد الرحل الا لزیارة المسجد و الصلاة فیه»^{۳۶} عبدالعزیز بن باز نیز با بیانی شبیه به سخنان بالا معتقد است:

الاحادیث الواردة فی زیارة قبر النبی ﷺ خاصة فكلها ضعيفه بل قيل: انها موضوعة... فلا یجوز للمسلم ان یسافر الی المدینة المنورة للصلاة فی المسجد النبوی بل یتحجب... و لا یجوز له ان یسافر الی المدینة من اجل زیارة قبر النبی ﷺ او قبور اخرى.^{۳۷}

۲) مستند ابن تیمیه و پیروان او

وهابیه گذشته از آنکه روایات وارد در باب زیارت قبر پیامبر ﷺ را ضعیف و جعلی شمرده‌اند، برای حرمت سفر به قصد زیارت آن حضرت به یک روایت تمسک کرده‌اند. بن باز در این باره گوید: لایجوز له (مسلم) ان یسافر الی المدینة من اجل زیارة قبر النبی ﷺ او قبور اخرى، لما ثبت عن ابی هريرة قال: لا تشد الرحال الا ثلاثة مساجد: المسجد الحرام و مسجدی هذا و المسجد الاقصی، رواه الامام احمد و البخاری و مسلم و ابوداود و النسائی و ابن ماجه.^{۳۸}

۳) بررسی مستند ابن تیمیه و پیروان او

اینکه روایات وارد در باب زیارت قبر نبی اعظم ﷺ را ضعیف و مجعول بدانند، نادرست و غیر قابل پذیرش است؛ چرا که در قسمت اول، در بررسی ادله استحباب زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ گذشت که این روایات اولاً: در حد متواتر در جوامع روایی شیعه و سنی نقل شده است. ثانیاً: بر اساس تتبع برخی از بزرگان اهل سنت، برخی از روایات وارد در این باب از نظر سند

طهر

بی‌اشکال است. ثالثاً: زیارت پیامبر به اجماع علمای اسلامی ثابت شده است و ادله فراوان دیگری نیز مثل سیره و قرآن کریم آن را اثبات یا تأیید می‌کند.

اما روایت «لا تشدّ الحمال» اگر چه در صحاح و سنن معتبر نقل شده است، با چشم‌پوشی و غمض عین از راوی آن که ابوهریره است، سخن مهم و اصلی درباره مدلول این روایت است و اینکه آیا آن چنان که ابن تیمیه و وهابیان می‌پندارند، دلالت بر حرمت سفر به قصد زیارت پیامبر ﷺ می‌کند یا نه. این روایت حاوی یک جمله استثناییه است و کلید فهم آن مبتنی بر دو مطلب است: یکی تعیین مستثنی منه و دیگری معنای «لا» در عبارت «لا تشدّ».

اما در مورد مستثنی منه یک احتمال آن است که «مکان من الامکنه» باشد؛ یعنی «لا تشدّ الرحال الی مکان من الامکنه الا ثلاثة مساجد». این احتمال که اخذ به عموم است و گسترده شمردن دایره مستثنی منه می‌باشد، قطعاً نادرست و غیر ممکن است. زیرا لازمه‌اش آن است که تمامی مسافرتها، مگر مسافرت به سوی سه مسجد حرام باشد. در حالی که بسیاری از مسافرتها حلال و مباح، مستحب، بلکه واجب است. سفر برای جهاد، آموزش علم و دانش دینی، زیارت والدین و غیره نه تنها حرام نیست، بلکه در مواردی واجب و مورد تشویق کتاب و سنت است. بنابراین سفر به غیر از این سه مسجد نه تنها حرام نیست، بلکه حتی نمی‌توان نهی را حمل بر کراهت یا ارشاد کرد و گفت سفر کردن به مکانهای دیگری غیر از این سه مسجد، کراهت دارد یا بهتر است انجام نشود، زیرا سفر به بسیاری از مکانها، واجب، یا مستحب و یا حداقل مباح است.

احتمال دوم آن است که مستثنی منه «مسجد من المساجد» باشد؛ یعنی «لا تشد الرحال الی مسجد من المساجد الا الی ثلاثة مساجد». طبق این احتمال معنای روایت این می‌شود که به سمت هیچ مسجدی جز این سه مسجد بار سفر بسته نمی‌شود. بنابراین احتمال، شد رحال برای زیارت قبر پیامبر ﷺ حرمتی نخواهد داشت، زیرا قبر پیامبر مسجد نیست. با توجه به بطلان احتمال اول، این احتمال درست است، چرا که اولاً احتمال سومی در میان نیست. ثانیاً با ظاهر استثناء سازگاری و تناسب دارد. ولی طبق این احتمال هم نمی‌توان «لا تشد» را حمل بر نهی تحریمی کرد و گفت شد رحال برای غیر این مسجد، از مساجد دیگر حرام است، چون خود پیامبر ﷺ به مسجد قبا می‌رفته‌اند؛ بلکه این نهی از این روست که این شد رحال زحمتی بی‌فایده است، زیرا ثواب مساجد یکسان است و از نظر فضیلت تفاوتی ندارند که انسان بخواهد رنج سفر را بر خود هموار سازد. بنابراین نهی ارشادی خواهد بود.

به هر حال طبق احتمال دوم که احتمال صحیح و متعین برای روایت است، شد رحال به مساجد دیگر مورد نهی قرار گرفته است، ولی شد رحال برای زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله متعلق نهی نیست. غزالی می گوید:

«مسافرت عبادی مستحب است، از جمله مسافرت به جهت زیارت قبور انبیا، صحابه، تابعین و سایر علما و اولیا.» وی در ادامه با اشاره به روایت «لا تشد الرحال» گوید: این موضوع با حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله: «لا تشد الرحال الا الى ثلاثة مساجد» منافات و تعارض ندارد، زیرا حدیث مربوط به مساجد است و مساجد از آنجا که همه در فضیلت یکسان اند، ترجیحی در سفر به سوی آنها نیست، مگر این سه مسجد که به جهت خصوصیتی که دارند سفر به خاطر آنها اشکال ندارد و این مسئله غیر از سفر برای زیارت قبور اولیای الهی است.^{۲۹}

قسمت سوم: بعد سیاسی استحباب زیارت نبی اعظم صلی الله علیه و آله

چنان که گذشت، زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از عبادات مستحب و مؤکد است و رسیدن به ثواب و فضیلت آن، در گرو قصد قربت و نیت پاک و بی شائبه است. این از جهت بعد فردی و عبادی این عبادت با ارزش است. ولی این عبادت، همچون بسیاری از عبادات اسلامی مثل حج، نماز جمعه، نماز عیدین، نماز جماعت و غیره، پیوندی عمیق با سیاست و امور اجتماعی دارد که این بُعد آن را می توان در روایات و کلمات عده ای از فقها به خوبی مشاهده کرد و بدین وسیله ابعاد فقه سیاسی این عبادت بزرگ را ترسیم نمود. بعد سیاسی - اجتماعی زیارت پیامبر گرامی را می توان در موارد ذیل بررسی کرد:

(۱) اجبار مردم به زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله
در روایت معتبر وارد است:

محمد بن علی بن الحسین بن بابویه عن حفص بن البختری و هشام بن سالم و معاویه بن عمار و غیرهم عن ابی عبدالله علیه السلام قال: لو ان الناس ترکوا الحج لکان علی الوالی ان یجبرهم علی ذلك و علی المقام عنده، ولو ترکوا زیارة النبی صلی الله علیه و آله لکان علی الوالی ان یجبرهم علی ذلك و علی المقام عنده فإن لم یکن لهم اموال انفق علیهم من بیت مال المسلمین.

این روایت را علاوه بر صدوق، مرحوم شیخ و کلینی نیز نقل کرده اند و از نظر سند، صحیح یا موثق است و جای خدشه ای ندارد.^{۳۰} در این روایت سه وظیفه مهم و اساسی برای نظام اسلامی و امام المسلمین، درباره زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله ترسیم شده است:

۱. اجبار و فرستادن و گسیل کردن مردم به سوی زیارت پیامبر ﷺ، در صورتی که قبر آن حضرت به اندازه کافی زائر نداشته باشد و مردم داوطلبانه به زیارت آن حضرت نروند یا امکانات مادی و لازم را برای درک زیارت آن حضرت نداشته باشند.

۲. اگر اطراف قبر آن حضرت خالی از سکنه شده و از جانب دشمنان و بدخواهان در مورد آن بیم می‌رود، بر نظام و حاکم اسلامی است که عده‌ای را وادار کند در آنجا دائماً یا علی‌البدل بمانند و از قبر حضرت حراست کنند و آنجا را پر رونق و پر فروغ نگه دارند.

۳. در صورتی که مردم از خود ثروت و اندوخته لازم را برای این هدف مقدس و بزرگ نداشته باشند، یکی از مصارف مجاز و مشروع از اموال عمومی و بیت‌المال، همین است که دولت اسلامی هزینه لازم این سفر را برای عده‌ای تأمین کند. این بحث از محورهای مهم سیاسی زیارت پیامبر اکرم ﷺ است که نیازمند مباحث مفصل بیشتری است و باید در جای خود، به ویژه از بعد فقهی و اینکه چگونه فقها بر طبق مضمون این روایت فتوا داده‌اند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد چنان‌که صاحب جواهر گوید: «یحیی الامام الناس علیه لو ترکوها.»^{۳۱} ولی این مطلب اجمالاً پیوند عمیق و ناگسستنی زیارت پیامبر ﷺ را به عنوان یک امر عبادی با سیاست و وظایف حکومت اسلامی به خوبی آشکار می‌کند.

۲) امیر الحاج و زیارت پیامبر اعظم ﷺ

از امور دیگری که ابعاد سیاسی، زیارت پیامبر گرامی اسلام ﷺ را به خوبی هویدا می‌کند، وظیفه امیر الحاج در این زمینه است. شهید اول در شرح وظایف پانزده گانه امیر الحاج می‌نویسد: «و ان یسیر بهم الی زیارة النبی و الائمة علیهم السلام و یهلهم بالمدينة بقدر اداء مناسك الزیارات و التودیع و قضاء حاجاتهم.»^{۳۲}

یکی از وظایف امام‌المسلمین یا کسی که از طرف او برای ولایت و امارت حج منصوب شده آن است که حجاج را به سمت مدینه و زیارت پیامبر اکرم ﷺ و ائمه بقیع علیهم السلام راهنمایی کند و گسیل دهد؛ به اندازه‌ای که مردم در مدینه موفق به زیارت و وداع و انجام نیازهای دیگر خود گردند. مطلب یاد شده اختصاص به فقه اهل‌بیت علیهم السلام ندارد. فقهای اهل سنت نیز این فتوا و وظیفه را

در شرح وظایف متصدی ولایة الحج و امیر الحاج بیان کرده‌اند. قاضی ابی یعلی حنبلی (متوفای ۴۵۸ق)

در کتاب الاحکام السلطانیة، ده وظیفه برای این ولایت برشمرده است و در ادامه آخرین وظیفه گوید:

فاذا عاد بهم سار علی طریق المدینة قبر رسول الله ﷺ رعایة
لحرمته و قیاماً بحقوق طاعته و ان لم یکن ذلك من فروض الحج فهو

من مندوبات الشرع المستحبة و عادات المحجج المستحسنة، روی عمر
ان النبي ﷺ قال: «من زار قبري وجبت له شفاعتي».^{۳۳}

در این عبارت پر مغز و جالب، قاضی ابی یعلی ضمن اشاره به وظایف نظام اسلامی و امیر
الحاج در ارتباط با زیارت پیامبر اعظم ﷺ، و مستحب دانستن زیارت آن حضرت و استناد به روایت،
به حکمت و فلسفه این زیارت نیز اشاره می کند که حرکت دادن حجاج به زیارت پیامبر ﷺ در
حقیقت رعایت حرمت رسول خدا و قیام به ادای حقوقی است که آن حضرت بر امت اسلامی دارد.

نتیجه گیری

طبق آنچه در این مقاله به طور فشرده مورد بررسی و تحقیق قرار گرفت، موارد ذیل قابل
نتیجه گیری است:

۱. زیارت قبر پیامبر گرامی اسلام ﷺ از مستحبات مؤکد و دارای فضیلت بسیار است و
مستند این حکم فقهی، ادله قطعی و روشن از کتاب و سنت و اجماع و عقل و سیره است.
۲. استجاب زیارت خاتم الانبیا ﷺ اختصاص به پیروان اهل بیت علیهم السلام و مذهب شیعه ندارد،
بلکه اجماع مذاهب اسلامی و روایات فریقین بر آن قائم است و از اموری است که از ضروریات
دین شمرده شده است.
۳. فتوایی که بعضی از منحرفان به پیروی از ابن تیمیة، مبنی بر حرمت بار سفر بستن و شد
رحال به قصد زیارت قبر رسول مکرم اسلام، ارائه کرده اند، فاقد مستند معتبر است و از نظر
علمای شیعه و سنی هیچ وجهت علمی ندارد، بلکه در مواردی فتوا به ترک واجب و انکار
ضروری دین است که موجب ارتداد می شود.
۴. زیارت پیامبر ﷺ در حقیقت نعمت و موهبتی است که مسلمانان در پرتو جمع گشتن در
اطراف این کانون نور، می توانند از آن الهام بگیرند و با تمسک به وحدت و اتحاد و چنگ زدن به
آموزه های وحیانی آن امام هدایت و رحمت، به سعادت دنیوی و اخروی نائل شوند و دشمنان خود
را از صحنه بیرون کنند.

۵. به جهت فلسفه مهمی که در زیارت نبی اعظم ﷺ وجود دارد، از نظر فقه سیاسی
اسلامی، حکومت اسلامی موظف است همواره کانون قبر آن حضرت را روشن و پر رونق نگه
دارد و مردم را وادار به زیارت ایشان کند، اگر چه با هزینه کردن از بیت المال باشد به علاوه از
مأموریت های سیاسی - مذهبی امیر الحجاج و امام المسلمین یا منصوب از طرف او آن است که
حجاج را به سوی مدینه النبی ﷺ سیر دهد تا با سفر به قصد زیارت قبر مطهر آن رسول رحمت،
دین خویش را به آن معلم بزرگ بشری ادا نمایند.

طهر

پی نوشتها:

۱. نساء: ۶۴
۲. ر.ک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج، ص ۳۴۹-۳۵۲.
۳. همان، ج ۱، ص ۳۵۲-۳۶۸؛ صدرالمآلهین، الاسفار الاربعه، ج ۹، الباب التاسع، ص ۷۸-۱۱۹؛ ابن سینا، المبدأ و المعاد، المقالة الثالثة، ص ۹۱.
۴. مفاتیح الجنان.
۵. سنن ابی داود، ج ۱، کتاب الحج، باب زیارة القبور، ص ۴۷-۴۸؛ جعفر سبحانی، آیین و هایت، ص ۱۱۶.
۶. ر.ک: سمهودی، وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۶۱؛ آیین و هایت، ص ۱۶۶-۱۶۷.
۷. عبدالرحمن جزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۲۰۵-۲۰۶؛ سید کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۸۹-۶۹۳.
۸. الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۶۰۰.
۹. همان، ص ۴۵۷-۴۵۸.
۱۰. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب المزار، باب ۲، ج ۱۱، ص ۲۵۵.
۱۱. کامل الزیارات، ص ۶-۱۵.
۱۲. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۶۰-۲۶۳.
۱۳. ر.ک: مفاتیح الجنان، در فضیلت زیارت حضرت رسول ﷺ.
۱۴. ر.ک: علامه امینی، القدر فی کتاب و السنة و الادب، ج ۵، ص ۸۶-۱۰۸؛ آیین و هایت، ص ۱۱۵-۱۲۲.
۱۵. شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۲۷۸.
۱۶. تذکرة الفقها، ج ۸، ص ۴۴۹-۴۵۰.
۱۷. جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۷۹-۸۰.
۱۸. شفاء السقام فی زیارة خیر الانام، ص ۴۸؛ القدر فی کتاب و السنة و الادب، ج ۵، ص ۱۱۲-۱۱۳.
۱۹. الفقه علی المذهب الاربعه، ج ۱، ص ۵۹۴.
۲۰. المصادر الفقہیة، ج ۱۱، ص ۵۹۴.
۲۱. ر.ک: القدر فی کتاب و السنة و الادب، ج ۵، ص ۱۰۹-۱۲۵.

۲۲. شعراء: ۳.
۲۳. الفقه على المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۵۹۷ - ۵۹۸.
۲۴. برای آگاهی بیشتر ر.ک: التذیر فی الكتاب و السنة و الادب، ج ۵، ص ۸۶ - ۹۳: آیین و هابیت، ص ۲۵ - ۳۵: علی اصغر رضوانی، شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، ج ۲، ص ۲۹۳ - ۳۰۰.
۲۵. منهاج السنة، ج ۲، ص ۴۴۱: التوسل و الوسیلة، ص ۷۲ و ص ۱۵۶: شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، ج ۲، ص ۲۹۳ - ۲۹۴.
۲۶. الهدیه السنیه، رساله دوم: آیین و هابیت، ص ۱۲۲.
۲۷. فتاوی تتعلق باحکام الحج و العمرة و الزیارة، ص ۱۸۲ - ۱۸۵.
۲۸. همان، ص ۱۸۵ - ۱۸۶.
۲۹. ر.ک: عبدالملک سعدی، البدعة، ص ۶۰: آیین و هابیت، ص ۱۲۲ - ۱۲۶: شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، ج ۲، ص ۳۰۶ - ۳۰۷: احیاء العلوم، ج ۲، کتاب آداب السفر، ص ۲۴۷.
۳۰. وسائل الشیعه، ج ۸، باب ۵، ابواب وجوب الحج و شرائطه، ج ۲.
۳۱. جواهر الکلام، ج ۲، ص ۷۹ - ۸۰.
۳۲. الدروس الشرعیة، ج ۱، ص ۴۹۵ - ۴۹۶.
۳۳. الاحکام السلطانیة، ص ۱۰۸ - ۱۱۱.

طبع

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی